

عنوان مقاله:

گردشگری و معنادرمانی در فلسفه اگزیزستانسیالیسم

محل انتشار:

ماهنامه باغ نظر، دوره 19، شماره 112 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

مهرنوش بسته نگار - استادیار پژوهشکده توسعه تکنولوژی جهاددانشگاهی صنعتی شریف، دکتری مدیریت گردشگری، تهران، ایران.

رضوان قمری - کارشناسی ارشد برنامه ریزی توسعه جهانگردی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

بیان مساله: تجربه زیسته انسان نشان میدهد که آدمی سخت نیازمند معناست، چیزی که او را به «بودن» پیوند دهد. اما بر مبنای فلسفه اگزیزستانسیالیسم هستی، هیچ برنامه و نقشه از پیش طراحی شدهای ندارد. مطابق این فلسفه چالش اصلی این است که چگونه میتوان در جهانی بیمعنا، معنایی آفرید. به نظر میرسد گردشگری فعالیتی است که می تواند ضمن مفرح و آموزنده بودن، نقش معنا بخشی به زندگی را هم ایفا نماید. هدف: از آنجا که در کشور ما مفهومپردازی به خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ضرورتی غیر قابل تردید است و با توجه به اینکه در رشته گردشگری، این مهم با رکود و کم توجهی مواجه است و اغلب پژوهشها در این حوزه معطوف به بازآزمایی مفاهیم و نظریه های موجود و طبیعتا فاقد مفاهیم و نظریات جدید است، لذا هدف از این پژوهش آفرینش دانش و مفهومپردازی بینرشتهای در موضوع مورد مطالعه بوده است تا نشان دهد انواع مختلف گردشگری در معنادرمانی انسان امروز چه سهمی دارند. روش تحقیق: این مطالعه پژوهشی میانرشتهای و کیفی از نوع پدیدارشناسانه تفسیری است که با انجام مطالعات کتابخانهای و با انجام مصاحبه های عمیق و نیمه ساختارمند به انجام رسیده است. سوال تحقیق: هر یک از انواع گردشگری، در کدام شیوه معنادرمانی میتواند ایفای نقش نماید؟ نتیجه گیری: نتایج پژوهش بیانگر این است که «تجربه اندوزی و دنیادیدگی» که یکی از شیوه های معنابخشی به زندگی میباشد، بالاترین رتبه را در انواع متفاوت گردشگری به خود اختصاص داده و بعد از آن «لذتگرایی» و «خودشکوفایی» در رتبه های دوم و سوم معنادرمانی در انواع گردشگری هستند.

کلمات کلیدی:

معنای زندگی، فلسفه اگزیزستانسیالیسم، اصالت وجود، گردشگری تراپی، معنادرمانی، انواع گردشگری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1525509>

